

چرا خود را پیروز جنگ می دانیم؟*

پس از فتح خرمشهر تا پایان جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی ایران، به مدت شش سال برای یک پایان جنگ مقتدرانه و آبرومند و حصول اطمینان از عدم تجاوز مجدد عراق تلاش کرده است. تجاوز ارتش عراق در قسمت جنوب کشور دفع شده بود، لیکن ادعاهای همسایه غربی (عراق) هنوز باقی بود. در این مدت عملیاتهای تهاجمی و تدافعی زیادی انجام شد. لیکن حمایتهای ابرقدرتهای شرق و غرب و متحدین عراق مانع پیروزی قطعی ایران در جبهه های نبرد حق علیه باطل شد.

تقویت و بازسازی مکرر ارتش عراق بویژه در سالهای پایانی جنگ توازن قوا را به نفع دشمن تغییر داد. عملیاتهای تهاجمی جمهوری اسلامی ایران - البته با انگیزه دفاع - عمدتاً به نتایج قابل قبول و قطعی نمی رسید و یا حفظ موفقیت های حاصله میسر نمی گردید. فشارهای بین المللی به ج.ا.ا، تحرکات ارتش عراق در سراسر جبهه ها، تحولات نظامی سال آخر جنگ، شکست استراتژی سپاه برای عملیات از شمال عراق، بکارگیری وسیع سلاح های شیمیایی توسط دشمن، حمایت قدرتهای مسلط دنیا از صدام حسین، تحریم و محاصره اقتصادی کشور، ورود علنی آمریکا به صحنه جنگ و مقابله با ناوگان جمهوری اسلامی ایران و ساقط کردن هواپیمای مسافربری توسط ناو آمریکایی، باعث پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران گردید. پذیرش قطعنامه از سوی ایران در موضع ضعف و تعبیر حضرت امام راحل (ره) از آن به عنوان جام زهر و همچنین تبلیغات دشمنان مبنی بر توفیقات ارتش صدام، این شبهه را ایجاد کرده است که جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس هشت ساله شکست خورده است. بنابراین به همین دلیل بحثی با عنوان فوق مطرح می شود تا با استفاده از اسناد و مدارک و تحلیل های سیاسی و نظامی، علل پیروزی ج.ا.ا را در دفاع هشت ساله بیان کنیم.

* نویسنده: سرتیپ ستاد سید ناصر حسینی

۲- کارنامه هشت سال دفاع مقدس

ابتدا کارنامه نیروهای مسلح ج.ا.ا در مقابل تجاوزات ارتش رژیم بعث را در مراحل چهارگانه دفاع مقدس بررسی می نماییم.

مرحله اول دفاع مقدس، مرحله قبل از تجاوز ارتش عراق است که اصطلاحاً ما به آن مرحله بازدارندگی می گوئیم. در این مرحله بدلیل نابسامانی‌هایی که بعد از انقلاب بر ارکان کشور حاکم شده بود، نظام دفاعی کشور با مشکلات عدیده ای مواجه بود- که اکنون خارج از این بحث است- ما شکست را پذیرفتیم و دشمن از مرزهای ما گذشت و تجاوز خود را با یک ارتش آماده متشکل از ۱۲ لشکر به تعدادی تیپ‌های مستقل که مجموعاً ۲۳ لشکر می‌شد، در حالیکه نیروهای خودی ۶ لشکر که با تیپ‌های مستقل می‌شدند ۱۰ لشکر که البته با استعداد ۶۰ درصد بودند. در صورت محاسبه ۱۰۰٪ این ۱۰ لشکر می‌شود ۶ لشکر، بنابراین دشمن با ۲۳ لشکر و یک نیروی هوایی قوی در مقابل ۶ لشکر جنگ را آغاز کرد. در این مرحله ارتش عراق با تمام قوا برای رسیدن به اهداف خود که حداقل جداسازی و تجزیه خوزستان بود تلاش کرد و در موج اول حملات خود چند شهر و صدها روستا را اشغال کرد و خرابیها و تلفات بسیاری را ببار آورد. در موج اول، یگان‌های خط مقدم توانستند با انجام عملیات تاخیری در مقابل دشمن، سرعت پیشروی او را به شدت کند کرده و بالاخره یگانهای ارتش عراق را که در حال پیشروی بودند متوقف نمایند. ما معتقدیم بدلیل عدم آمادگی و غافلگیر شدن سامانه های سیاسی و تصمیم گیری کشور، چون نتوانستیم قبل از آغاز تجاوز اقدام نظامی و دفاعی قابل ملاحظه ای انجام دهیم، شکست خوردیم. اما بلافاصله با پذیرش اولین شوک حمله عراق، مردم، مقامات و نیروهای مسلح موجود و مدافع کشور (ارتش) بخود آمدند و اقدامات اساسی و مهم خود را آغاز کردند.

در این قسمت از روایت تاریخ دفاع مقدس وارد مرحله دوم جنگ می شویم. در این مرحله که تشبیت دشمن نام دارد بایستی دشمن از حالت آفندی به حالت پدافندی در آید. یعنی نیروهای خودی بایستی به نوعی سد راه پیشروی دشمن شوند و موانعی برای او بوجود بیاورند که توان تهاجمی دشمن رو به تحلیل رفته و در جای خود زمین گیر شوند. در این مرحله اقدامات از همان ساعات اولیه پس از حمله عراق آغاز شد. بعضی از پایگاههای نیروی

هوایی ارتش ج.ا.ا سعی کردند، هواپیماهای متجاوزی که در یک حمله ۱۹۲ فروندی، پایگاههای هوایی، فرودگاههای کشور و... را هدف قرار داده و بمباران کرده بودند، تعقیب و تعدادی را سرنگون نمایند. لیکن به دلیل آسیب دیدن تعدادی از باندهای پروازی موفق نشدند اقدام قابل ملاحظه ای انجام دهند.^۱ اما چند ساعت بعد اولین حمله انتقامی توسط چند فروند از جنگنده های نیروی هوایی به پایگاههای الرشید در بغداد، شعبیه در بصره و کوت در العماره انجام شد^۲ و صبح روز بعد نیز عملیات کمان ۹۹ با شرکت بیش از ۱۴۰ فروند جنگنده نیروی هوایی، در عمق خاک دشمن انجام گردید. در این مرحله، نزاجا با پشتیبانی سایر نیروهای مسلح موفق شد که از سقوط آبادان، اهواز، دزفول، شوش و اندیمشک و به طور کلی غرب خوزستان جلوگیری کند. در این مرحله نزاجا از کمبود نیروی انسانی شدیداً رنج می برد. به همین دلیل برای تامین کسری سازمان یگانهای نزاجا در اقدامی تعجیلی، سربازان وظیفه منقضی خدمت سال ۱۳۵۶ احضار شدند و با یک دوره آموزش کوتاه مدت یادآوری روانه میادین نبرد گردیدند. سایر نیروهای ارتش و نیروی زمینی نیز بتدریج برای متوقف کردن ارتش متجاوز به مناطق عملیاتی اعزام شده و در مقابل دشمن صف آرای کردند. در این مرحله برای تثبیت دشمن قرارگاههای تعجیلی فرماندهی ارتش، برای ساماندهی صحنه نبرد به ترتیب از جنوبی ترین منطقه نبرد تا شمالی ترین آن به شرح زیر تشکیل شد. فرماندهی اروند در منطقه آبادان به فرماندهی سرهنگ حسن فروزان (فرمانده وقت ژاندارمری)، قرارگاه اهواز با حضور شهید ولی الله فلاحی (جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش)، شهید دکتر چمران (فرمانده گروه جنگهای نامنظم) و حجت الاسلام خامنه ای (نماینده وقت حضرت امام در ارتش)، قرارگاه فرماندهی در دزفول با حضور مرحوم سرتیپ ظهیرنژاد (فرمانده وقت نزاجا) و آقای بنی صدر (رئیس جمهور وقت)، در کرمانشاه، سرهنگ (معدوم) عطاریان (فرمانده وقت منطقه غرب) و در ارومیه، شهید صیاد شیرازی (فرمانده وقت منطقه شمالغرب). در این مرحله (تثبیت دشمن) که حداکثر ۴۵ روز بطول انجامید. محاسبات ما در هیئت معارف جنگ نشان می دهد که ۳۰٪ از پیروزی سهم دشمن

۱- خاطرات سرهنگ خلبان صمد بالازاده، ۱۳۹۱، آسمان مال من بود، انتشارات سوره مهر، تهران، ص ۱۰۰

۲- فرشید قدیمی، ۱۳۸۹، اولین پاسخ، انتشارات مکعب، تهران، صص ۱۰۹-۱۱۲

و ۷۰٪ آن سهم نیروهای خودی است. دلیل ما این است که عراق در هدف حداقلی خود که تجزیه خوزستان بود، توانست، ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع (برابر اسناد ج.ا.) و طبق اظهارات عدنان خیرالله (وزیر دفاع وقت عراق) ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشور ما را اشغال نماید. این در حالی است که وسعت خوزستان در زمان جنگ ۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع بوده است. بنابراین چنین محاسبه کاملاً منصفانه است.

در مرحله دوم، نزاجا با پشتیبانی سایر نیروهای مسلح موفق شد از سقوط آبادان، اهواز، دزفول، شوش، اندیمشک و به طور کلی غرب استان خوزستان جلوگیری کند. لیکن برای انجام عملیاتهای بزرگ بمنظور بیرون راندن دشمن با کمبود نیرو مواجه بود. اما در سال دوم جنگ، این کمبود نیروی انسانی با فراخوانی نیروهای پرانگیزه و داوطلب بسیج و آموزش و سازماندهی آنها توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تامین گردید.

مرحله سوم دفاع مقدس، دفع تجاوز نام گذاری شده که عمدتاً در سال دوم جنگ انجام شده است. در این مرحله نیروهای دفاعی کشور با همراهی نیروهای مردمی (رزمندگان اسلام) توانستند با عملیاتهای مهم ثامن الائمه (ع)، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس اکثر مناطق اشغالی بویژه مناطق جنوبی را از اشغال متجاوزان خارج ساخته و دشمن را تا مرزهای بین المللی عقب برانند. بنابراین ارزیابی ما این است که در این مرحله مدافعان میهن اسلامی صددرصد موفق شدند.

ضمناً باید توجه داشت در این مرحله نیز بخشی از خاک کشور هنوز در تصرف دشمن بود، مانند قصر شیرین، نفت شهر، مهران و ...

مرحله چهارم جنگ (تنبیه متجاوز) است که شش سال پایانی دفاع مقدس را شامل می شود و بخش اعظم ابهامات پایان جنگ مربوط به این دوره است. در این مرحله بدلیل اینکه سازمان های بین المللی مسؤل، مثل شورای امنیت سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ و معرفی متجاوز به میدان نیامدند لذا ملت ایران برآن شد تا خود متجاوز را تنبیه نموده و از عدم تجاوز مجدد صدام نیز اطمینان حاصل نماید. لازم به ذکر است که برابر شرح وظایف شورای امنیت سازمان ملل در منشور ملل متحد، این شورا مسؤل رسیدگی به منازعات بین کشورها و حافظ صلح بین المللی است. بنابراین ج.ا.ا برابر ماده ۵۱ منشور ملل

متحد، از حق ذاتی دفاع از خود استفاده کرد و مرحله تنبیه متجاوز و از کار انداختن ماشین جنگی عراق را خود به اجرا گذارد.

آنچه که اسناد داخلی و خارجی مربوط به دفاع مقدس نشان می دهد، در شش سال پایانی دفاع مقدس، قدرت های جهانی بویژه دو ابرقدرت شرق و غرب، در این دوره بطور کامل در خدمت دشمن ما قرار گرفته بودند. از هر نظر او را حمایت کردند و در نهایت با واگذاری میلیاردها دلار تجهیزات پیشرفته و همچنین سلاحهای شیمیایی و کشتار جمعی، توازن قوا را به نفع عراق تغییر دادند. در این مورد آر. کنت تیمرمن که یک روزنامه نگار و از محققین سازمان سیا و کارشناس در امور خاورمیانه است. در کتاب خود بنام ناگفته های جنگ ایران و عراق که با نام "سوداگری مرگ" ترجمه شده است اسنادی را منتشر کرده که نشان می دهد ۴۰۰ شرکت از ۳۴ کشور جهان، ارتش عراق را تجهیز کرده اند.^۱ و در مقابل طرف دیگر جنگ را مورد تحریم ها و محاصره نظامی و اقتصادی قرار دادند. شایان ذکر است، مهمترین کمک آمریکاییها به طرف عراقی حمایت های اطلاعاتی است که بطور مستمر هر ۴۸ ساعت یکبار انجام شده و بدینوسیله از غافلگیری عراق توسط رزمندگان اسلام جلوگیری کرده است. لذا ما بعد از عملیات بیت المقدس در هیچ عملیاتی نتوانستیم دشمن را غافلگیر نمائیم. بنابراین غالب عملیاتها با عدم موفقیت مواجه شد. اما تا زمانی که قدرت جنگی در کشور قابل ملاحظه بود و رزمندگان اسلام برای اجرای عملیاتها به جبهه ها اعزام می شدند و علیرغم ناموفق بودن عملیاتها، ضعف موجود در جبهه های خودی کمتر خود نمایی می کرد. اما در سالهای پایانی جنگ بویژه بعد از عملیات کربلای ۵ که با تلفات بیشتری همراه بود، میل به جنگجویی تاحدودی تضعیف شده و جبهه ها با کاهش حضور عناصر داوطلب مواجه شد. در مقابل، دشمن با تشکیل لشگرهای صد در صد متحرک و مجهز به تجهیزات زرهی، قدرت خود را بازسازی کرد و با توصیه مستشاران خارجی خود تحرکات جدیدی را در برنامه خود قرار داده و عملیاتهای بزرگی را طراحی و اجرا می کند که نتیجه آن توفیقاتی در صحنه های عملیاتی پایان جنگ است. بنابراین ارزیابی هیئت معارف جنگ از پیروزی های رزمندگان اسلام در این مرحله از جنگ حدود ۷۰٪ می باشد.

۱ - کنت آر تیمرمن، سوداگری مرگ، احمد تدین، انتشارات رسا، تهران ۱۳۷۳

که دلایل آن مبتنی بر انهدام نیروی عراقی در این دوره و فرسایشی است که بر ارتش عراق عارض شده و مانع کارآیی لازم برای این ارتش شده است.

۳- مفهوم پیروزی از دیدگاه صاحب‌نظران

بحثی که در این قسمت به منظور تبیین چرایی پیروزی ج.ا.ا در جنگ تحمیلی مطرح می‌شود مفهوم پیروزی است. چون برخی تحلیلگران بدون توجه به مفهوم مورد نظر وارد عرصه تحلیل جنگ تحمیلی و نتایج آن شده‌اند و نتایج غیر قابل قبولی را اعلام کرده‌اند. لذا با بررسی در مورد معنی و مفهوم پیروزی، چندین تعریف بدست می‌آید که تعدادی از آنها به شرح زیر است: «سون تزو» ژنرال و فرمانده چینی ۲۵۰۰ سال قبل در کتاب «هنرجنگ» پیروزی را سلطه کامل بر دشمن می‌داند. «فلاطون» فیلسوف یونانی نیز پیروزی را زمانی قابل حصول می‌داند که شهروندان در امنیت کامل باشند. «ماکیاول» فیلسوف غربی نیز معتقد است زمانی که دشمن بطور کامل تحت سلطه ما باشد پیروزی حاصل است. «کلوتزویتز» اندیشمند آلمانی معتقد است. پیروزی زمانی بدست می‌آید که دشمن تجهیزات جنگی و میل جنگجویی خود را از دست بدهد. از طرفی در نیم قرن اخیر وقتی امریکاییها بعد از یازده سال جنگ طولانی در ویتنام به اهداف شان نرسیدند به شکست خود اعتراف کردند. بنابراین با تجزیه و تحلیل مفاهیم متفاوت پیروزی، رسیدن به هدف، مفهومی مشترک بین صاحب‌نظران و معیاری کاملاً عاقلانه برای معنا و مفهوم پیروزی است. درعین حال بررسی و ارزیابی وقایع و اتفاقات دفاع مقدس و پیامدهای آن بعنوان یک مجموعه و تطبیق آن با اهداف طرفین جنگ روش پسندیده و قابل قبولی برای تعیین طرف پیروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌باشد.

۴- بررسی مفهوم شکست در جنگ‌ها و مقایسه دو نمونه تاریخی

حال که مفهوم پیروزی را از دیدگاه صاحب‌نظران بررسی کردیم برای درک موضوع، بهتر است مفهوم و معنای شکست را نیز بصورت تجربی در دو نمونه از جنگهای تاریخی مطالعه نماییم. در این قسمت ابتدا نتیجه جنگ‌های ایران و روس را که دو قرن اخیر اتفاق

افتاده بعنوان اولین نمونه بررسی می نمائیم. کشور ایران در دوره قاجار دو جنگ را با روسیه داشته که هر کدام با یک معاهده پایان پذیرفته است. جنگ اول ایران روس از سال (۱۲۲۸-۱۲۱۸.ق. ۱۸۱۴-۱۸۰۴.م.) که مدت ده سال بطول انجامید نهایتاً با شکست ایران و امضای معاهده گلستان پایان یافت. جنگ دوم ایران و روس نیز که بدنبال ناکامی های ایران و تجاوزات و تعرضات مکرر روسها از سال (۱۲۴۲-۱۲۴۰.ق. ۱۸۲۸-۱۸۲۶.م.) انجام شد به معاهده ترکمانچای ختم شد که در نتیجه دو قرارداد فوق ۲۶۳۷۰۰ کیلومتر مربع از بهترین مناطق ایران در منطقه قفقاز و گرجستان و بطور کلی شمال رود ارس از خاک ایران جدا شد. در این جنگها که حدود ۲۰۰ هزار نفر تلفات برای ایران در پی داشت، غرامت و هزینه های جنگ نیز به ایران تحمیل شد و بواسطه نتایج شوم و تلخ این قراردادها در تاریخ از آن بعنوان قرارداد ننگین یاد می شود. بطوریکه ملت ایران تحقیر گردید و ابهت ایرانی شکست. چنانچه امروز نیز این قرارداد از سوی ایرانیان بازخوانی شود آثار ننگین آن احساس می شود. دقیقاً بعد از تحمیل این معاهدات ننگین که با تباری دو قدرت روس و انگلیس انجام شد، قسمتهای دیگری نیز از سرزمین ایران مانند: بخشهایی از شمال و شرق ایران جدا شد که مجموعاً به نهصد هزار کیلومترمربع بالغ می گردد و سلطه قدرت های مسلط جهانی تا ۱۵۰ سال بعد، یعنی تا وقوع انقلاب اسلامی بر کشور سایه افکنده بود و همه اقدامات کشور تحت نظر قدرتهای روس و انگلیس و بعدها آمریکا قرار داشت. اینها همه نتایج یک شکست سنگین در جنگ است.

نمونه دیگری که می توان بررسی کرد، جنگ جهانی دوم است. این جنگ از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بین دول اروپایی در دو جبهه متحدین و متفقین بمدت شش سال بطول انجامید. در این جنگ که در نهایت به نفع متفقین پایان یافت. شرایط سنگین و تحقیر کننده ای بر دولتهای شکست خورده حاکم شد. این نمونه ها برای این ذکر شد که فضای شکست در جنگ ها کاملاً احساس شود و مفهوم شکست کاملاً درک گردد. تا در مقایسه با شرایط امروز جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ تحمیلی قابل شناسایی باشد.

۵- بررسی اهداف ایران و عراق در جنگ تحمیلی

اهداف اعلام شده دشمن در ابتدای جنگ چیزی نیست که قابل انکار باشد. صدام حسین رئیس جمهوری وقت عراق، روزی که قصد داشت جنگ را علیه ج.ا.ا آغاز نماید پنج هدف عمده را اعلام کرد که در رسانه های دیداری، شنیداری و مطبوعات آن زمان ثبت و درج گردیده است. اولین هدف صدام حسین عبارت بود از لغو یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و سلطه کامل بر اروند رود. دوم اینکه استان خوزستان یک سرزمین عربی است بنام عربستان و بایستی از اشغال ایران جدا شود. سومین هدف عراق، ادعای مالکیت بر ارتفاعات غرب کشور در منطقه سومار، نفت شهر، میمک و قصر شیرین بود. چهارمین هدف اعلام شده واگذاری جزایر سه گانه خلیج فارس به امارات و رهبری بر جهان عرب و آخرین خواسته او براندازی نظام مقدس ج.ا.ا بود. که در این هدف اخیر، آمریکا و اعراب مرتجع منطقه نیز با او مشترک بودند. قابل ذکر اینکه رژیم بعث عراق برای دستیابی به اهداف اعلامی، زمینه های آن را از هماهنگی با کشورهای ذینفع منطقه و جهان گرفته تا اقدامات و پیش بینی های تجهیزاتی و نیازهای مالی، همه را فراهم کرده بود. در مقابل، اهداف جمهوری اسلامی که پس از تجاوزات عراق از سوی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران اعلام شد، کاملاً دفاعی و عبارت بودند از: استقرار قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر، دفع تجاوز و آزادسازی سرزمین های اشغالی، حفظ و اعتلای نظام جمهوری اسلامی ایران، معرفی صدام به عنوان متجاوز، برقراری تعادل قدرت در منطقه و ایجاد بازدارندگی بطوریکه هیچ متجاوز دیگری به کشور ما طمع نداشته باشد.

مقاومت ملت ایران و اصرار بر دستیابی به اهداف و عدم اعتماد به ابرقدرتها که در شورای امنیت با امید به پیروزی صدام قطعنامه صادر می کردند باعث شد که این جنگ هشت سال بطول بینجامد و نهایتاً با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و عراق آتش بس اعلام شود.

۶- مقطع پایان جنگ

پس از پذیرش قطعنامه و آغاز مذاکرات ایران و عراق در سازمان ملل با میانجیگری دبیرکل سازمان ملل، انتظار می رفت که به سرعت، بندهای قطعنامه اجرایی شود و ضمن برگشتن نیروهای عراقی به مرزهای بین المللی قبل از جنگ، اسرای دو کشور آزاد شوند و... لیکن با بهانه جویی های رژیم عراق، این انتظار طولانی شد و دولت عراق با اخلال در روند مذاکرات، زمان این فرایند را به مدت دو سال افزایش داد. در این مدت که عراق با تصور اینکه هنوز کشور قدرتمند منطقه است، مجدداً سعی داشت از ایران امتیاز بگیرد. اما دولتمردان ایرانی با مقاومت در مقابل زیاده خواهی های بغداد، اجرای اصول قطعنامه را پیگیری می کردند. در این مدت نارضایتی دولت عراق از تعیین مرزها براساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و همچنین احتمال متجاوز شناخته شدن صدام براساس قطعنامه ۵۹۸ از سوی سازمان ملل بود. لذا سعی داشت با دور زدن این دو قرارداد و قطعنامه، شرایط مورد نظر را بر مذاکرات حاکم نماید که با مقاومت ملت ایران، در این مرحله نیز ناکام ماند.

اوضاع داخلی و خارجی دولت عراق در مدت دو سال پس از جنگ، بتدریج شرایط سختی را بر حاکمان بغداد دیکته می کرد که منجر به اتخاذ تصمیمات خطرناکی از سوی رهبر عراق گردید. حضرت امام راحل(ره) فرموده بودند که صدام برای خروج از این بحران چاره ای جز انتحار (خودکشی) ندارد. شاید این شرایط مقدماتی بود برای انتحار رئیس دولت عراق، به این ترتیب که در داخل کشور، مردم عراق که پایان یک دهه جنگ را، با از دست رفتن منابع انسانی و اقتصادی آنها همراه بود بی نتیجه می دیدند، منتقد اصلی صدام حسین بوده و مطالباتی را طلب می کردند. در سطح منطقه و بین الملل نیز کشورهایی که تا دیروز حامی رژیم حزب بعث در جنگ ایران و عراق بودند، اکنون که صدام حسین بدون نتیجه از این جنگ خارج شده بود، ضمن قطع کمکها، مطالبات خود را پیگیری می کردند. از سوی دیگر بسته شدن اروند رود بدلیل غرق شدن کشتی ها در خلال جنگ و نیاز به لایروبی و غیرقابل استفاده بودن پایانه های البکر و الامیه بدلیل حملات ایران به این پایانه ها در ابتدای جنگ، که صادرات نفت عراق را مختل کرده بود، همه و همه شرایط سخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بر عراق حاکم کرده بود و حاکمان بغداد را به سمت اتخاذ تصمیم

اشغال کویت به‌عنوان استان نوزدهم عراق رهنمون نمود، که در واقع راهکاری برای انتحار صدام حسین بود. بنابراین صدام حسین در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۱۱ یک شبه وارد کویت شد و به قتل و غارت اموال حکومت و مردم کویت پرداخت. اما قبل از ورود به کویت برای عادی سازی روابطش با ج.ا.ا اقداماتی انجام داد که از جمله آنها، ارسال شش نامه به تناوب برای مسئولان جمهوری اسلامی ایران بود که شش نامه نیز جواب گرفت. وی در این نامه‌ها که برای رئیس جمهور وقت (آقای هاشمی رفسنجانی) ارسال می‌کرد ابتدا سعی داشت تا قرارداد‌های ۱۹۷۵ الجزایر و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را که براساس آن آتش بس برقرار شده بود را نادیده انگارد یا آنها را بنحوی دور بزند. لیکن وقتی سرسختی مسئولان نظام را مشاهده کرد، در یک اقدام غیر مترقبه همه خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران را پذیرفت و زیر آن را امضاء کرد. وی در آخرین پاراگراف آخرین نامه خود، خطاب به رئیس جمهور وقت ایران چنین می‌نویسد: «برادر علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور، با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب همه آنچه می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی‌ماند تا با هم از موضع مسؤلیت، نظاره گر واقعی حیات جدیدی سرشار از تعاون در سایه اصول اسلام باشیم...» بنابراین صدام حسین که خود در سال ۱۹۷۵ واسطه پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شده بود و در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۹ آن را در مقابل خبرنگاران و دوربین‌های تلوزیون پاره کرده و یکطرفه لغو کرده بود، در این نامه مجدداً آن را به همراه قطعنامه ۵۹۸ یکجا می‌پذیرد و با این عمل بر اشتباهات خود در گذشته صحنه می‌گذارد و بدین ترتیب با عنایات الهی جمهوری اسلامی ایران به تمام اهداف اعلام شده خود رسید. البته پس از گذشت ۱۶ ماه دبیرکل سازمان ملل نیز با اعزام یک هیئت بلژیکی به هر دو کشور که در آن کارشناسان حقوقی عضو بودند و بررسی اسناد دو کشور، عراق را آغازگر جنگ معرفی می‌نماید.

۷- نتیجه‌گیری

با ملاحظه اسناد و مطالب فوق متوجه می‌شویم که رژیم بعث عراق پس از درگیر شدن در یک جنگ فرسایشی هشت ساله که همه موجودیت این کشور را مصرف کرد، نهایتاً

به هیچ یک از اهداف حداقلی (تسلط بر اروند رود) و حداکثری (براندازی نظام نوپای ج.ا.ا) خود نرسید. ملت رشید ایران که در موضع دفاع از خود قرار داشت، یک جنگ طولانی مدت را با مقاومت کم نظیر و رهبری های پیامبرگونه حضرت امام راحل (ره) تحمل کرد و ضمن بیرون راندن دشمن از سرزمینهای اشغالی و با تکیه بر اهداف و آرمانهای خود، صدام را به عنوان متجاوز به جهانیان معرفی کرد. مهمتر اینکه، این پیروزی را بدون برخورداری از حمایت ابرقدرتها بدست آورد و پس از آن تاکنون نیز نفی سلطه آنها را فریاد می زند و بعنوان یک ملت سربلند و پیروز و بعنوان یک واحد سیاسی فعال، اثرگذار و مستقل در منطقه و جهان دارای نفوذ می باشد.

یکی از دستاوردهای ۸ سال دفاع مقدس آن بود که تمام کشورها متوجه شدند که کشور جمهوری اسلامی ایران توان دفاع شرافتمندانه، حتی اگر فرسایشی باشد را دارد. اما در دنیای امروز، ارتشها هر قدر هم قدرتمند باشند تمایل و توان آغاز یک جنگ فرسایشی را ندارند. بنابراین همین سابقه حاصل شده و دیگر عوامل، سبب شده است که تا کنون دشمنان جمهوری اسلامی ایران از شروه یک جنگ علیه نظام ج.ا.ا پرهیز کرده و از ورود به راه کارهای نظامی اجتناب نمایند.